http://jcp.khu.ac.ir

فصلنامه روانشناسی شناختی دوره ۶، شماره ۱، بهار ۱۳۹۷ مقاله علمی- پژوهشی

مدل ساختاری کارکردهای اجرایی و روابط فرازناشویی با بررسی نقش میانجی خودکنترلی

راضیه خرم آبادی: دانشجوی دکتری روانشناسی، دانشگاه فردوسی مشهد، مشهد، و عضو هیات علمی گروه روانشناسی، دانشگاه خلیج فارس، بوشهر، ایران.

***زهره سپهری شاملو:** (نویسنده مسئول)، دانشیار، گروه روانشناسی، دانشگاه فردوسی مشهد، مشهد، ایران. z.s.shamloo@um.ac.ir

جواد صالحی فدردی: استاد، گروه روانشناسی، دانشگاه فردوسی مشهد، مشهد، ایران.

ایمان الله بیگدلی: استاد، گروه روانشناسی، دانشگاه فردوسی مشهد، مشهد، ایران.

تاریخ دریافت: ۱۳۹۷/۰۳/۲۳ پذیرش اولیه: ۱۳۹۷/۰۷/۱۴ پذیرش نهایی: ۱۳۹۷/۰۷/۱۴

چکیده

هدف مطالعه حاضر ارائه مدل ساختاری گرایش به روابط فرازناشویی با کارکردهای اجرایی با میانجیگری خودکنترلی می‌باشد. روش پژوهش حاضر از نوع همبستگی- معادلات ساختاری بوده است. تعداد ۲۱۰ نفر نمونه به شیوه نمونه گیری در دسترس انتخاب شدند. در شرایط آزمایشگاهی، ابتدا برای سنجش کارکردهای اجرایی ۴ آزمون کامپیوتری ویسکانسین، برو نرو، چند محرک پیشین (ان بک) و استروپ را انجام داده و سپس پرسشنامه‌های خودکنترلی تانجی و گرایش به روابط فرازناشویی واتلی را پر کردند. تحلیل مدل با روش معادلات ساختاری از نوع رگرسیونی نشان داد که مدل دارای برازش مناسبی می‌باشد و به طورکلی کارکردهای اجرایی و خودکنترلی ۰/۱۲ از واریانس گرایش به روابط فرازناشویی را مورد پیش‌بینی قرار می‌دهند. همچنین کارکردهای اجرایی شامل بازداری (۰/۱۳-)، انعطاف‌پذیری (۰/۱۳-) و حافظه فعال (۰/۱۶-) و خودکنترلی (۰/۱۰-) اثر مستقیمی بر روابط فرازناشویی دارند. همچنین کارکردهای اجرایی بازداری (۰/۲۳-)، انعطاف‌پذیری (۰/۱۱-) و حافظه فعال (۰/۲۷-) با میانجیگری نقش خودکنترلی دارای اثر غیرمستقیمی بر روابط فرازناشویی می‌باشند.

کلیدواژه‌ها: روابط فرازناشویی، خیانت، کارکردهای اجرایی، کنترل اجرایی، کنترل شناختی، خود کنترلی.

Journal of Cognitive Psychology, Vol. 6, No. 1, Spring 2018

Structural Model of Executive Function and Extramarital Relationship with Mediating Role of Self-Control

Khorramabadi, R. PhD Student, Ferdowsi University, Mashhad, & Faculty Member, Persian Gulf University, Boushehr, Iran.

Sepehri, Z. (Corresponding author) Associate Professor, Ferdowsi University, Mashhad, Iran. z.s.shamloo@um.ac.ir

Salehi Fadardi, J. Professor, Ferdowsi University, Mashhad, Iran.

Bigdeli, I. Professor, Ferdowsi University, Mashhad, Iran.

Abstract

The purpose of this study is presentation the structural model of executive functions and extramarital relationship with mediating role of self-control. The 210 samples were selected by convenience sampling. In experimental situation, for assessing executive function participants did computerized exams include: Stroop, Wisconsin, Go No Go and N- Back and completed self-control questionnaire of Tangney and attitudes toward infidelity scale of Whatley. Data was analyzed through regression, structural equation modeling. Model has a suitable fit. Results shows that executive functions includes inhibition (-0.13), task switching (-0.13), working memory (-0.16) and self-control (-0.10) had direct effect on extra marital relationship. Executive functions includes inhibition (-0.23), task switching (-0.11), working memory (-0.27) had indirect effect on extra marital relationship with mediation of self-control.

Keywords: Extra marital relationship, Infidelity, Executive functions, Executive control, Cognitive control, Self-control.

[Downloaded from isharat.khu.ac.ir on 2026-10-29]

[DOR: 20.1001.1.23455780.1397.6.1.6.7]

مقدمه

روابط خوب و باثبات تاثیرات مثبت گسترده‌ای بر استرس، تنظیم هیجانی، سلامت جسمی و روانی و امید به زندگی دارد (باومیستر و لیری[1]، ۱۹۹۵؛ ریس، کالینز و برسچید[2]، ۲۰۰۰؛ به نقل از هامبورگ و پرانک[3]، ۲۰۱۵). به رغم مزایای بسیاری که تک همسری و روابط متعهدانه در زندگی زناشویی دارد، پژوهش‌های روانشناختی نشان داده‌اند که حفظ روابط زناشویی برای طولانی مدت کار آسانی نیست و حتی افرادی که روابط صمیمانه‌ای با همسرشان دارند، بازداری توجه به دیگران جذاب را دشوار می‌یابند (مانر[4] و همکاران، ۲۰۰۷؛ ۲۰۰۹ به نقل از یودا[5] و همکاران، ۲۰۱۸) و روابط ماندگار و حفاظت شده زناشویی، به خصوص به هنگام سختی ها و تهدیدهای ارتباطی، کار آسانی نیست.

از بین عوامل مختلفی که ازدواج را تهدید می‌کنند، روابط فرازناشویی به طور فزاینده‌ای مورد توجه محققان قرار گرفته است. روابط فرازناشویی مهمترین عامل جدایی در ۱۶۰ فرهنگ مختلف شناسایی شده است (بتزیگ[6]، ۱۹۸۹ به نقل از پرانک و همکاران، ۲۰۱۱). هرچند اکثریت افراد (۹۰٪) رابطه خارج از ازدواج را ناپسند و غیراخلاقی می‌دانند (گالوپ، ۲۰۰۷ به نقل از نگاش[7] و همکاران، ۲۰۱۶) رابطه فرازناشویی یک رخداد شایع در ازدواج هاست (مارین، کریستنسن و اتکینز[8]، ۲۰۱۴) و شیوع روابط فرازناشویی در ایالات متحده امریکا برای زنان بین ۲۶٪ تا ۷۰٪ و بین ۳۳٪ تا ۷۵٪ برای مردان گزارش شده است (ایوس و ربرتسون- اسمیت[9]، ۲۰۰۷). در کشور ما هم به رغم این‌که آمار دقیقی از روابط فرازناشویی وجود ندارد، مراجعه روزافزون این دسته از مراجعان به مراکز مشاوره و نیز گزارش‌های دادگستری در باب رابطه فرازناشویی به عنوان یکی از دلایل طلاق گویای رشد این پدیده در کشورمان می‌باشد.

تعریف روابط فرازناشویی گسترده است به نحوی که طیف وسیعی از رفتارها را شامل می‌شود. برای برخی بی‌وفایی زناشویی داشتن روابط جنسی خارج از ازدواج است، بقیه شامل رفتارهایی مثل سکس سایبری، تماشای پورنوگرافی، درجات مختلف صمیمیت جسمی و غیرجنسی و حتی صمیمیت عاطفی با فرد دیگر که منجر به آسیب به رابطه اولیه می‌شود، است (هرتلین، وتچلر و پیرسی[10]، ۲۰۰۵؛ فریکر و مور[11]، ۲۰۰۶، جینفریو، جوریچ و مانگ[12]، ۲۰۱۴). پژوهشگران اسامی و تعاریف مختلفی برای این پدیده در نظر گرفته‌اند، اما جنبهٔ مشترک همهٔ آن‌ها، پنهانی بودن آن است؛ بنابراین رابطه فرازناشویی هر فعالیت رمانتیک یا جنسی مخفیانه گویند که در حالیکه فرد در یک رابطه کاملا خصوصی مثل ازدواج قرار دارد، اتفاق می افتد (فیشمن و می[13]، ۲۰۱۷).

روابط فرازناشویی پیامدهای جسمی، روانشناختی و اجتماعی گسترده‌ای دارد. یکی از مهمترین پیامدهای روابط زناشویی از دست دادن عشق و احترام همسر و شکستن رابطه است. رابطه فرازناشویی موجب ضربه شدید احساسی به طرفین می‌شود. این نوع ارتباط باعث اضطراب، بروز نشانه هایی شبیه به اختلال استرس پس از سانحه (PTSD) (کانو و اولیری[14]، ۲۰۰۰ نقل از فیشمن و می، ۲۰۱۷) و همچنین احساساتی مانند افسردگی، خشم، نا امیدی، عدم اعتماد به نفس، از دست دادن هویت و احساس بی‌ارزشی در همسر زخم خورده و نیز باعث بروز احساس تردید، افسردگی، عذاب وجدان، افزایش پریشانی روانشناختی و حتی گاه خودکشی در همسر عهدشکن می‌شود (بونک، ۱۹۹۵؛ هال و فینچام[15]، ۲۰۰۵). روابط فرازناشویی فقط منحصر به ازدواج‌های ناشاد نیست بلکه در ازدواج‌هایی که دو نفر با یکدیگر شاد بوده و از نظر جنسی نیز رضایت داشته‌اند هم امکان بروز دارد (پرانک و همکاران، ۲۰۱۱).

پژوهش‌های مختلف بر روی عوامل موثر در روابط فرازناشویی عوامل مختلفی را بیان کرده‌اند، از جمله این عوامل شامل ماهیت ارتباط به عنوان مثال نارضایتی (اتکینز، باوکام، جاکوبسن[16]، ۲۰۰۱)، بافت ارتباط، مانند فرصت (تریاس و جیسن، ۲۰۰۰) و عواملی که به فرد مربوط می‌شوند، شامل باورها در مورد عشق و رابطه جنسی (فریکر، ۲۰۰۶؛ وایدرمن و هیورد، ۱۹۹۹) و نیز ویژگی‌های شخصیتی مانند خودشیفتگی، دلبستگی ناایمن (دانیل و همکاران، ۲۰۱۳) و... را می‌توان نام برد. به تازگی پژوهش‌ها سمت و

1. Baumeister, R.F. & Leary, M.R.
2. Reis, H.T., Collins, W.A. & Berscheid, E.
3. Hamburg, M.E., & Pronk, T.M.
4. Maner
5. Ueda
6. Betzig, L.
7. Negash
8. Marin, R.A., Christensen, A. & Atkins, D.C.
9. Eaves & Robertson-Smith
10. Hertlein, Wetchler & Piercy
11. Friker & Moore
12. Jeanfreau, Jurich & Mong
13. Fishman & May
14. Canoa & O Leary
15. Hall, J. H., & Fincham, F. D
16. Jacobson, N. S.

[Downloaded from isharat.khu.ac.ir on 2026-10-29]
[DOR: 20.1001.1.23455780.1397.6.1.6.7]

سوی بررسی عوامل و فرایندهای شناختی موثر بر روابط فرازناشویی را به خود گرفته‌اند، هرچند پژوهش‌ها در این زمینه بسیار اندک و محدود است (هامبورگ و پرانک، ۲۰۱۵؛ پرانک و همکاران، ۲۰۱۱).

یکی از عواملی که در رابطه فرازناشویی مورد توجه قرار گرفته است، خودکنترلی است. تمام زوج‌ها در طی زندگی خود با تعارضات علاقمندی و اغوای گزینه‌های دیگر مواجه می‌شوند؛ که نیاز است زوج‌ها در برابراین تکانه‌های مخرب مقاومت نشان دهند. در چنین شرایطی برای رفتار کردن به شیوه‌ای سازنده، نیاز است که فرد هم انگیزش و هم توانایی یک شریک ارتباطی خوب بودن را داشته باشد (فینکل و کمپبل[1]، ۲۰۰۱). پژوهش‌های اخیر نشان داده‌اند که این عامل توانایی، در حیطه خودکنترلی قرار دارد (هامبورگ و پرانک، ۲۰۱۵). به عنوان مثال، هنگام برخورد با گزینه‌های جایگزین جذاب، افرادی با خودکنترلی بالا دشواری کمتری در وفادار ماندن گزارش می‌کنند (گایلیوت[2] و باومیستر، ۲۰۰۷)، رفتارهای دلربایی (عشوه گری) کمتری به سمت گزینه‌های دیگر نشان می‌دهند (پرانک و همکاران، ۲۰۱۱) و علاقه کمتری به قرار ملاقات گذاشتن با دیگران جذاب ابراز می‌کنند (سیاروکو، ایچواریا و لیواندوسکی[3]، ۲۰۱۲). خودکنترلی به توانایی رها کردن لذت کوتاه مدت به منظور دنبال کردن اهداف و آرزوهای بلندمدت اشاره دارد (باومیستر و همکاران، ۱۹۹۴) از دیگر سو، کنترل اجرایی که با عنوان کنترل شناختی یا کارکردهای اجرایی نیز خوانده می‌شود اصطلاحی است که برای توصیف یک سری فرایندهای کنترل شناختی که با هم در جهت تنظیم و شکل دادن به رفتار به شیوه‌ای هدف‌محور به کار می‌روند، استفاده می‌شود (پرانک، ۲۰۱۱).

کنشهای اجرایی اصطلاحی کلی است که به تمامی فرایندهای شناختی سطح بالا که در هدایت و کنترل رفتار نقش اساسی ایفا میکنند، اطلاق می‌شود (هیوز و گراهام[4]، ۲۰۰۰). فرایندهای شناختی که اغلب به عنوان جنبه های کلیدی کنترل اجرایی شناخته می‌شوند، شامل بازداری، تغییر تکلیف و به روز رسانی حافظه فعال است (میاک و همکاران، ۲۰۰۰؛ براکوسکی و همکاران،۱۹۹۶ به نقل از پرانک، ۲۰۱۴). تمامی اینها شامل ظرفیت تمرکز توجه بر اطلاعات و فرایندهای مربوط و بازداری اطلاعات و فرایندهای نامربوط است. این فرایندهای زیربنایی توجه و بازداری به افراد در رسیدن به اهدافشان در زندگی روزمره کمک می کنند. به عنوان مثال به افرادی که در رژیم هستند کمک می‌کنند که در مقابل تمایل خود به خوردن شیرینی جات و نوشابه مقاومت کنند (هافمن، گچوندر، فرایس، وایرز و اسمیت[5]، ۲۰۰۸). اخیرا نشان داده شده است که کنترل اجرایی به افراد کمک می‌کند که در زندگی اجتماعی شان نیز موفق عمل کنند به عنوان مثال مانع از این می‌شود که افراد زمانیکه برانگیخته‌اند به شیوه‌ای پرخاشگرانه پاسخ دهند (هافمن و همکاران، ۲۰۰۸؛ ویلکوسکی[6] و همکاران، ۲۰۱۰)، بخشش را در روابط نزدیک تسهیل می‌کند (پرانک، ۲۰۱۰). پژوهش‌ها نشان داده‌اند که کنترل شناختی به افراد کمک می کند تا تمایلشان به پاسخ دادن به شیوه ای تکانشی و مبتنی بر نفع شخصی را بازداری کرده و در عوض پاسخ های محافظت کننده ارتباط را تسهیل می‌کند (پرانک، ۲۰۱۴). فینکل و کمپل (۲۰۰۱) نخستین بار نشان دادند که توانایی افراد در سازگاری با رفتار بد همسرشان به ظرفیت‌های شناختی شان بستگی دارد. همچنین در چندین پژوهش کنترل اجرایی با بخشش (بالیت و جویرمن، ۲۰۱۱؛ بارنت و دیویسون، فینکل و وان تونگرن، ۲۰۱۴؛ پرانک، کارمانز، اوربیک و ورمالست، ۲۰۱۰)، توانایی خودداری از پرخاشگری در مقابل خشونت پارتنر (دنسون، دیوال و فینکل؛ ۲۰۱۲؛ فینکل، دیوال، سلوتر و اواتن، ۲۰۰۹)، روی گردانی از جایگزین جذاب (ریتر و کارمانز و وان اسجی، ۲۰۱۰) توانایی وفادار ماندن (سیاروکو و همکاران، ۲۰۱۲؛ پرانک، کارمانز و ویکبولداس، ۲۰۱۱)، توانایی درگیر شدن در اشکال مختلف فداکاری (فایندلی، کاروالو و بارتاک، ۲۰۱۴؛ پرانک و کارمانز، ۲۰۱۴) مرتبط شناخته شده است.

براساس آنچه گفته شد پژوهش‌های مختلف سه حیطه اصلی از کارکردهای اجرایی شامل بازداری، حافظه فعال، انعطاف پذیری را در رابطه با روابط فرازناشویی و توجه به دیگران جذاب مورد مطالعه قرار داده‌اند و بر نقش آن در روابط فرازناشویی صحه گذاشته‌اند (هامبورگ و پرانک، ۲۰۱۵؛ پرانک و همکاران، ۲۰۱۱). پژوهش‌ها نشان داده‌اند این سه حیطه که دارای مکانیزم‌های متمایزی هستند، برای خود کنترلی موفق لازمند (ولف و همکاران، ۲۰۱۶). در موقعیت‌هایی که اهداف مهم‌تر در تعارض با خواسته‌های

1. Finkel, E.J. & Campbell, W. K.
2. Gailliot, M.T.
3. Ciarocco, N. J., Echevarria, J. & Lewandowski, G. W.
4. Hughes & Graham
5. Hofmann, W., Gschwendner, T., Friese, M., Wiers, R. W. & Schmitt, M.
6. Wilkowski, B. M.

[Downloaded from isharat.khu.ac.ir on 2026-10-29]
[DOR: 20.1001.1.23455780.1397.6.1.6.7]

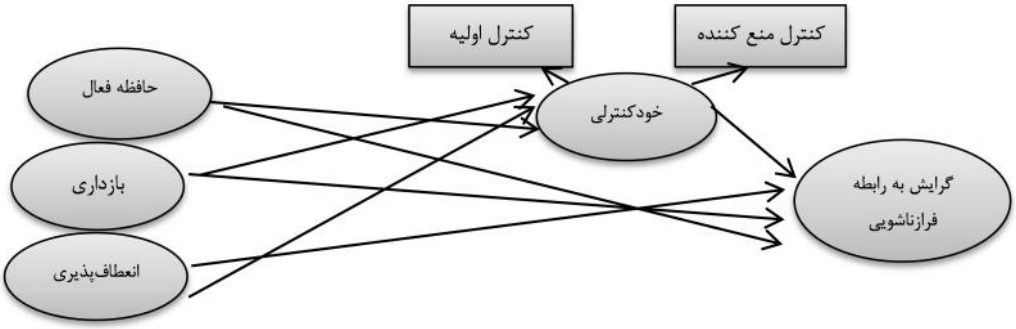

شکل ۱- مدل مفهومی اولیه پژوهش

فوری قرار می‌گیرند (به عنوان مثال: توجه یا ارتباط با فردی جذاب خارج از رابطه زناشویی با حفظ زندگی زناشویی و تعهد زناشویی در تعارض واقع می‌شود) به بازداری برای ممانعت از رفتارهای گرایشی خودکار به سمت محرک وسوسه برانگیز، به حافظه کاری برای تنظیم کردن عاطفه از طریق کنترل توجه و به انعطاف پذیری برای مدیریت چندین هدف همزمان نیاز است. لذا هدف پژوهش حاضر با توجه به نقشی که کارکردهای اجرایی و خودکنترلی در روابط فرازناشویی دارند و با توجه به اینکه پژوهش‌هایی که به بررسی نقش این متغیرها در قالب یک مدل و شبکه‌ای از روابط به طور همزمان بپردازد، وجود ندارد، تدوین و آزمون مدل ساختاری کارکردهای اجرایی و روابط فرازناشویی با بررسی نقش میانجی خودکنترلی می‌باشد.

روش

طرح پژوهش

پژوهش حاضراز نوع همبستگی است. برای پژوهش حاضر چند تحلیل ابتدایی برای به دست آوردن بینش اولیه نسبت به داده‌ها (میانگین، انحراف معیار و همبستگی‌های ساده) انجام شد، سپس تحلیل مدل به روش مدلیابی معادلات ساختاری با استفاده از نرم افزارهای AMOS (ویراست ۲۱) و SPSS انجام شد.

جامعه، نمونه و روش نمونه‌گیری

جامعه پژوهش کلیه زنان و مردان متاهل شهر بوشهر می‌باشند. گروه نمونه به روش در دسترس و بنا بر رضایت افراد در شرکت در پژوهش انتخاب شدند. مدل سازی معادلات ساختاری، روش های برآورد حجم نمونه متفاوتی را معرفی می نماید، در زمینه برآورد بهینه برای مطالعات مربوط به مدل یابی معادله ساختاری نظرات متفاوتی وجود دارد از جمله کلاین (۲۰۱۰) و لوهلین (۲۰۰۴) به نقل از قاسمی (۱۳۹۰) معتقدند حجم نمونه کمتر از ۱۰۰ نامناسب و حجم های بالاتر از ۲۰۰ مطلوب است. برای سازگاری با الگوی معادلات ساختاری تعداد نمونه باید حداقل ۱۵ برابر متغیرهای مشاهده شده باشد (استیونس، ۱۹۹۴، به نقل از هومن، ۱۳۹۳). در این پژوهش برای تعیین حجم نمونه با توجه به تعداد متغیرهای مشاهده شده و تخصیص ضریب ۱۵ برای هر متغیر و با احتساب احتمال وجود پرسشنامه‌های ناقص ۲۱۰ نفر به عنوان حجم نمونه انتخاب شد.

ابزارهای پژوهش

آزمون کامپیوتری دسته بندی کارت‌های ویسکانسین (WCST): آزمون دسته‌بندی کارت‌های ویسکانسین، اولین بار توسط گرانت و برگ (۱۹۸۴) تهیه شده است (لزاک، ۲۰۰۴). کاوالارو، کاوندین، میسترتا، باسی (۲۰۰۳) بیان می‌کنند این آزمون توانایی انتزاع و تغییر راهبردهای شناختی را در پاسخ به تغییر بازخوردهای محیطی ارزیابی می‌کند و مستلزم برنامه ریزی، جستجوی سازمان یافته و توانایی استفاده از بازخورد محیطی برای تغییر آمایه‌ی شناختی است. بر اساس کار گلدبرگ و وینبرگ (۱۹۹۸) این آزمون به عنوان یکی از حساس‌ترین آزمون‌های مربوط به قشر جلوی پیشانی و پشتی-جانبی در نظر گرفته می‌شود. روایی این آزمون برای نقایص شناختی به دنبال آسیب های مغزی بالای ۰/۸۶ و پایایی آن در نمونه ایرانی با روش بازآزمایی ۰/۸۵ وپایایی بین ارزیاب این آزمون در حد عالی و بالای ۰/۸۳ گزارش شده است (مرادی، جباری، میرآقایی و پرهون، ۱۳۹۰). در این پژوهش از نسخه کامپیوتری آزمون دسته‌بندی کارت‌های ویسکانسین (WCST) استفاده شد. رایج‌ترین شاخص‌های اندازه‌گیری کارکردهای اجرایی شناختی، در آزمون ویسکانسین، تعداد طبقات درست شده توسط آزمودنی و میزان خطاهای تکراری است (استراس و همکاران، ۲۰۰۶). در این آزمون تعداد طبقات

[Downloaded from isharat.khu.ac.ir on 2026-10-29]
[DOR: 20.1001.1.23455780.1397.6.1.6.7]

تکمیل شده به ده کارتی که به صورت متوالی و درست بر اساس معیار مورد نظر انتخاب می شود، اشاره دارد که حداکثر شش طبقه است. خطاهای تکراری شامل تعداد خطاهایی است که پس از در نظر گرفتن قاعده جدید و دریافت بازخورد، از آزمودنی سر می‌زند.

آزمون کامپیوتری تکلیف چند محرک پیشین (N- back): این آزمون یک آزمون سنجش عملکرد شناختی مرتبط با کنش های اجرایی است که نخستین بار در سال ۱۹۸۵ توسط کرچنر[1] معرفی شد. ضرایب اعتبار بین ۰/۵۴ تا ۰/۸۴ اعتبار بالای این آزمون را نشان می دهد و اعتبار آن به عنوان شاخص عملکرد حافظه کاری بسیار قابل قبول است. این آزمون امروزه به صورت گسترده‌ای در مطالعات و مداخلات عصب-روانشناختی مورد استفاده قرار می‌گیرد. از آن جا که این آزمون هم نگهداری اطلاعات شناختی و هم دست‌کاری آنها را شامل می‌شود، ابزاری مناسب در سنجش حافظه کاری به شمار می‌رود و یکی از پر کاربردترین ابزارهای نابسته به فرهنگ است (کین[2]، کونوی[3]، میورا[4] و کلفلش[5]، ۲۰۰۷). نسخه فارسی این آزمون کامپیوتری تهیه شد. تکلیف کلی در آزمون یاد شده این است که اعداد ۱ تا ۹، به صورت تصادفی بر صفحه نمایش‌گر ظاهر می شوند. آزمودنی‌ها باید هر عدد را با عدد ماقبل (یکی به عقب)، دو عدد قبل‌تر (دوتا به عقب)، یا سه عدد قبل تر (سه تا به عقب) مقایسه کنند و مشخص نمایند که آیا دو عدد یکسان هستند یا خیر. انجام این تکلیف مستلزم فعال نگه‌داشتن آیتم ها در حافظه کاری به منظور مقایسه است. در این مطالعه از تکلیف یکی به عقب استفاده شد و از آزمودنی‌ها خواسته شد تا هرعدد را با عدد ماقبل آن مقایسه کنند و اگر این دو عدد یکسان بودند کلید راست و اگر غیر یکسان بودند، کلید چپ را بفشارند. تعداد پاسخ‌های درست و زمان واکنش کلی هر آزمودنی توسط سیستم ثبت شد.

آزمون استروپ کلاسیک: آزمون استروپ که یکی از پرکاربردترین آزمونهای توجه انتخابی یا توجه متمرکز و بازداری پاسخ است (چان، چن و لاو، ۲۰۰۶) یک مدل آزمایشگاهی و به عنوان یک آزمون پایه برای عملکرد قطعه ی پیشانی مغز می باشد. تکلیف کلاسیک یا اصلی استروپ به عنوان وسیله‌ای برای مطالعه سوگیری توجه و پردازش اطلاعات درسال ۱۹۳۵ توسط استروپ ساخته شد (دابسون، دازویس[6]، ۲۰۰۴). در مدل‌های کامپیوتری آزمون، کلمه‌های همخوان (رنگ کلمه با معنای کلمه یکسان است) و کلمه‌های ناهمخوان (رنگ کلمه با معنای کلمه یکسان نیست) به‌صورت تصادفی در یک زمان مشخص به فرد ارایه میشود و زمان واکنش (RT) فرد در پاسخدهی، تعداد پاسخهای صحیح و غلط فرد و همچنین نمره تداخل او به صورت دقیق محاسبه میشود. اثر تداخل باعث میشود سرعت عملکرد آزمودنی‌ها در نامیدن کلمه‌های ناهمخوان نسبت به کلمه‌های همخوان کاهش یابد. در این آزمون، آزمودنی‌ها باید به هر یک از ۴ کلمه رنگی براساس رنگ آن و بدون توجه به مفهوم کلمه، از طریق فشاردادن یکی از ۴ کلید تعیین‌شده پاسخ دهند. در پژوهش حاضر، آزمون استروپ به صورت رایانه‌ای و با استفاده از نرم‌افزار Super Lab ۴ ساخته شد. این آزمون نرم افزاری در پژوهش حاضر معرف بازداری در نظر گرفته شده است. از این مقیاس برای سنجش بازداری شناختی در برخی مطالعات استفاده شده است (میردورقی و همکاران، ۱۳۹۱؛ مرادیان و همکاران، ۱۳۹۳؛ صالحی فدردی و ضیایی، ۱۳۸۹). پایایی آزمون استروپ، بر اساس پژوهش لزاک (۲۰۰۴) به روش باز آزمایی در دامنه ای بین ۰/۸۰ تا ۰/۹۱ گزارش شده است.

آزمون برو نرو[7]: آزمون "برو/ نرو" که به‌طور وسیعی برای اندازه‌گیری بازداری استفاده می‌شود. شامل دو دسته محرک است. آزمودنی‌ها باید به دسته‌ای از این محرک‌ها پاسخ دهند (go) و از پاسخدهی به دسته دیگرخودداری کنند. از آنجایی که تعداد محرک‌های go معمولاً بیشتر از محرک‌های no go است، آمادگی برای ارایه پاسخ در فرد بیشتر است. عدم بازداری مناسب یا خطای ارتکاب به معنی انجام پاسخ حرکتی در هنگام ارایه محرک غیرهدف است. از این آزمون، ۳ نمره جداگانه به دست می‌آید: درصد خطای ارتکاب، درصد بازداری نامناسب و زمان واکنش. در مطالعه قدیری و همکاران (۲۰۰۶ به نقل از میردورقی و همکاران، ۱۳۹۱) پایایی این آزمون ۸۷ /۰ گزارش شده است. در این پژوهش، این آزمون به صورت رایانه‌ای و با استفاده از نرم‌افزار Super Lab ۴ ساخته شد. در این آزمون، محرک go به شکل هندسی مثلث بود که در بین دیگر اشکال هندسی (no go) در وسط صفحه مانیتور

1. Kirchner
2. Kane
3. Conway
4. Miura
5. Colflesh
6. Dozoies
7. Go no go

[Downloaded from isharat.khu.ac.ir on 2026-10-29]
[DOR: 20.1001.1.23455780.1397.6.1.6.7]

۱۶ اینچ در فاصله ۶۰ سانتیمتری از چشم آزمودنی به مدت ۵۰۰ میلی‌ثانیه ارایه می‌شد و آزمودنی باید پس از رویت آن، هرچه سریعتر با فشاردادن دکمه space روی صفحه کلید به آن پاسخ میداد و در صورت مشاهده دیگر اشکال هندسی نباید پاسخ می‌داد. در ابتدا چند کوشش به صورت تمرینی ارایه شد تا آزمودنی نسبت به آزمون و جایابی کلید پاسخ کاملاً آشنا شود و سپس ۱۰۰ کوشش اصلی ارایه شد که ۷۰ مورد از آنها محرک go بود تا بتواند پاسخ نیرومندی را ایجاد کند. کلیه پاسخ‌ها و زمان واکنش آزمودنی‌ها ثبت شد.

پرسشنامه گرایش به روابط فرازناشویی: این مقیاس توسط واتلی[1] (۲۰۰۸) طراحی شد. این پرسشنامه افکار فرد نسبت به مقوله روابط فرازناشویی را موردبررسی قرار می‌دهد و ۱۲ آیتم دارد. واتلی ثبات درونی این مقیاس را با استفاده از آلفای کرونباخ ۰/۸۰ به دست آورد.

پرسشنامه خودکنترلی تانجی: تانجی، باومیستر و مون (۲۰۰۴) با انجام پژوهشی که به بررسی رابطه و اثر گذاری خود کنترلی بالا با موفقیت‌های بین فردی پرداختند، مشخصات روانسنجی این پرسشنامه را نیز بر اساس نمونه پژوهش خود گزارش کردند که در اینجا ما نیز به آن اشاره می کنیم: در برآورد همسانی درونی، پایایی آزمون بالا گزارش شده است بدین گونه که: آلفا برای مقیاس خود کنترلی فرم بلند ۳۶ آیتمی در دو نمونه پژوهش تانجی و همکاران (۲۰۰۴) ۰/۸۹ بود و همچنین برای مقیاس خود کنترلی فرم کوتاه-۱۳ آیتمی نیز به نتایج مشابه دست یافتند (آلفا= به ترتیب در دو نمونه پژوهش آنها ۰/۸۳ و ۰/۸۵)؛ بنابراین پرسشنامه‌های مورد نظر همسانی درونی مناسبی را دارا می باشد.

روش اجرای پژوهش

روش اجرای کار بدین صورت بود که از طریق فراخوان در گروه های مجازی، آگهی‌های چاپی، تماس تلفنی و مراجعه حضوری به مکان‌هایی که احتمال دسترسی به مراجعین وجود داشت مانند آژانس‌های املاک و... تعداد ۲۱۰ آزمودنی متاهل داوطلب شرکت در مطالعه شدند. فرایند اجرای کار و مدت زمان لازم از قبل برای برای تک تک شرکت کنندگان توضیح داده شد و برای هریک با هماهنگی خودشان برای حضور در محیطی که از لحاظ آزمایشگاهی شرایط پژوهش را داشت (اتاقی در مرکز مشاوره دارای میز و صندلی راحت و تجهیز شده به کامپیوتر و به دور از عوامل حواسپرتی) تعیین وقت شد. برای ترغیب افرادی که در پژوهش شرکت می‌کردند، امتیازاتی چون: شرکت در کارگاه آموزشی (به انتخاب خود از میان ۳ کارگاه) و هدیه نقدی به مبلغ ۱۰۰ هزار تومان به قید قرعه برای دو نفر استفاده شد و در پایان برای شرکت‌کنندگانی که از راه دور می‌آمدند، کارت شارژ نیز اهدا شد. یکی از داوطلبین به علت کوررنگی از مطالعه حذف شد.

پس از حضور شرکت‌کننده در مکان مورد نظر، پس از احساس راحتی درمورد محیط، در مورد نحوه اجرای کار به او توضیحات لازم داده می‌شد، سپس آزمون های کامپیوتری تک نک اجرا می‌شد. قبل از اجرای هر آزمون به آزمودنی آموزش‌های لازم داده می‌شد و بخش تمرین صورت گرفته و به سوالات آزمودنی پاسخ داده می‌شد و سپس برای جلوگیری از حواسپرتی آزمودنی، آزمونگر اتاق را ترک کرده و پس از اتمام هر آزمون دوباره وارد اتاق شده و در پایان هر آزمون کامپیوتری چند دقیقه ای استراحت داده می‌شد و پس از اطمینان از عدم خستگی مراجع این فرایند برای آزمون بعدی تکرار می گردید و به همین شیوه ۴ آزمون کامپیوتری اجرا شده وپس از اتمام کار کامپوتری پذیرایی ساده‌ای صورت می گرفت و سپس آزمودنی پرسشنامه ها را پر می‌کرد. فرایند کار برای هر آزمودنی خدود ۴۵ دقیقه تا یکساعت زمان به خود اختصاص می‌داد.

یافته‌ها

در ابتدا با بررسی پیش فرض های آماری با استفاده از آزمون‌های، کشیدگی و چولگی، جعبه‌ای، کولموگروف-اسمیرنوف داده‌های پرت شناسایی، سپس با استفاده از آزمون ماهالانوبیس داده‌های پرت حذف گردید، همچنین پس از بررسی نرمالی داده‌ها مدل اندازه گیری دو متغیر پژوهش بررسی و تایید گردید، همچنین نتایج میانگین واریانس های استخراجی (AVE) نشان می دهد تمامی خرده مقیاس های خودکنترلی و گرایش به روابط خارج از ازدواج در مدل اندازه گیری مقادیر بدست آمده‌ی آن از حد معیار ۰/۵ بزرگ تر می باشد که نشان دهنده روایی از نوع همگرا است، همچنین پایایی مرکب (پایایی سازه) نشان دهنده ی آن است که مقادیر بدست آمده از مولفه ها از حد معیار ۰/۰۷ بیشتر می باشد و بنابراین موضوع AVE و CR پرسشنامه ها تایید می گردد. همچنین پایایی به آمده به روش تتا ترتیبی خود کنترلی (۰/۷۶۲)، کنترل منع کننده (۰/۷۰۹)، کنترل اولیه (۰/۸۲۶) و گرایش به رابطه فرازناشویی (۰/۶۳۱) بدست آمده است.

[1]. Whatley

[Downloaded from isharat.khu.ac.ir on 2026-10-29]

[DOR: 20.1001.1.23455780.1397.6.1.6.7]

جدول ۱- ماتریس همبستگی بین خودکنترلی و کارکردهای اجرایی با گرایش به روابط خارج از ازدواج

متغیر	M	SD	۱	۲	۳	۴	۵
خود کنترلی	۴۵/۹۵	۶/۳۵	۱				
کنترل منع کننده	۲۱/۸۲	۳/۴۱	۰/۸۳**	۱			
کنترل اولیه	۱۴/۵	۲/۹۴	۰/۸۵**	۰/۵۶**	۱		
گرایش به رابطه فرازناشویی	۲۵/۰۳	۱۱/۰۸	-۰/۰۳	-۰/۰۳	-۰/۰۰۲	۱	
خطای ارتکاب	۲/۲	۳/۰۷	-۰/۱۱*	-۰/۱۰*	-۰/۰۶	۰/۱۳*	۱
تداخل	۸۱/۰۱	۶۵/۷۲	۰/۱۱*	۰/۰۲	۰/۱۷**	-۰/۲۵**	-۰/۰۲
تعداد پاسخ های درست	۱۰۰/۱۱	۲۵/۱۸	۰/۰۰۲	۰/۰۴	۰/۰۴	-۰/۰۸	-۰/۰۷
میانگین زمان واکنش	۵۹۷	۱۴۸	-۰/۰۴	۰/۰۳	-۰/۰۷	۰/۹	۰/۱۴*
تعداد طبقات تکمیل شده	۴/۳۴	۱/۸۳	-۰/۰۳	-۰/۰۴	۰/۰۱	-۰/۱۱*	-۰/۱۵*
تعداد خطای درجاماندگی	۴/۳۷	۴	-۰/۰۲	-۰/۰۳	-۰/۰۶	۰/۰۶	۰/۱۲*
تعداد پاسخ سطح مفهومی	۴/۸۶	۲/۲۵	۰/۰۱	۰/۰۳	۰/۰۳	-۰/۰۷	-۰/۰۸
تعداد کوشش ها	۱۹/۲۲	۹/۰۸	۰/۰۳	۰/۰۳	۰/۰۵	۰/۰۷	۰/۰۲
تعداد کوشش انتخاب الگو	۱۰/۳۴	۹/۵۵	۰/۰۶	۰/۰۱	۰/۰۴	-۰/۰۶	-۰/۱۹**
سایر خطاها	۵۵/۷۴	۵/۷۷	-۰/۰۴	-۰/۱۰*	-۰/۰۶	-۰/۲۵**	-۰/۰۷

متغیر	۶	۷	۸	۹	۱۰	۱۱	۱۲	۱۳
خود کنترلی								
کنترل منع کننده								
کنترل اولیه								
گرایش به رابطه فرازناشویی								
خطای ارتکاب								
تداخل	۱							
تعداد پاسخ های درست	-۰/۰۹	۱						
میانگین زمان واکنش	۰/۱۲*	-۰/۰۵	۱					
تعداد طبقات تکمیل شده	-۰/۰۶	-۰/۰۳	-۰/۷۶**	۱				
تعداد خطای درجاماندگی	۰/۰۸	-۰/۰۵	۰/۸۵**	-۰/۶۷**	۱			
تعداد پاسخ سطح مفهومی	-۰/۱۱*	-۰/۰۱	-۰/۸۸**	۰/۸۸**	-۰/۷۲**	۱		
تعداد کوشش ها	-۰/۱۳*	-۰/۰۳	-۰/۶۸**	۰/۵۹**	-۰/۳۸**	۰/۷۸**	۱	
تعداد کوشش انتخاب الگو	-۰/۵۱**	-۰/۳۰**	-۰/۵۱**	-۰/۳۱**	۰/۲۳**	-۰/۱۰*	۰/۱۱*	۱
سایر خطاها	-۰/۰۸	-۰/۲۱**	۰/۰۶	-۰/۰۷	۰/۰۳	-۰/۰۴	-۰/۱۱*	-۰/۱۲*

* **در سطح ۰/۰۱ معنی داری است. N = ۲۰۱

نتـایج منـدرج در جـدول ۱: همبسـتگی بـین خـودکنترلی و کارکردهای اجرایی با گرایش به روابط خـارج از ازدواج نشـان داده می‌شود.

مقدار RMSEA برابر با ۰/۰۵۸ می‌باشد لذا این مقدار کمتـر از ۰/۱ است که نشان دهنده این است کـه میـانگین مجـذور خطاهای مدل مناسب است و مـدل قابـل قبـول مـی باشـد. همچنین مقدار کـای دو بـه درجـه آزادی (۲/۹۸) بـین ۱ و ۳ می‌باشد و میزان شاخص شاخص تطبیقی، مقتصد و مطلق نیز تقریبا برابر و بزرگتراز ۰/۹ می باشد که نشان می دهند مـدل اندازه گیری متغیرهای پژوهش، مدلی، مناسب است.

با توجه به جـدول ۳، مسـیرهای، خـودکنترلی و کارکردهـای اجرایی اثر مستقیم بر گرایش به رابطه فرازناشویی دارا هستند. همان گونه که مشاهده می گردد، مسیرهای غیر مسـتقیم در نظر گرفته شده با توجه به مقادیر استاندارد شده (β)، به دست آمده، مسیرهای غیر مستقیم، حافظه فعال، انعطاف پـذیری و بازداری با توجه به روش برآورد بوت استرپ مورد تاییـد واقـع گردید.

بحث و نتیجه‌گیری

پژوهش حاضر با هدف تدوین و آزمـون مـدلی بـرای تبیـین گرایش به روابط فرازناشویی انجام شـد و روابـط کارکردهـای اجرایـی بـا گـرایش بـه روابـط فرازناشـویی بـا میـانجیگری خودکنترلی مورد بررسی قرار گرفـت. تحلیـل مـدل بـا روش معادلات ساختاری نشان داد پس از چهارمرحلـه اصـلاح روی

[Downloaded from isharat.khu.ac.ir on 2026-10-29]

[DOR: 20.1001.1.23455780.1397.6.1.6.7]

جدول ۲- شاخص‌های برازش حاصل از تجزیه و تحلیل داده ها و متغیر ها پس از چهار مرحله اصلاح

نام آزمون	توضیحات	مقادیر قابل قبول	مقدار به دست آمده قبل از تصحیح	مقدار به دست آمده پس از تصحیح
χ2/df	کای اسکوئر نسبی	<۳	۴/۷۸	۲/۹۸
RMSEA	ریشه میانگین توان دوم خطای تقریب	<۰/۱	۰/۰۷۹	۰/۰۵۸
GFI	شاخص برازندگی تعدیل یافته	>۰/۹	۰/۸۲۴	۰/۹۷۷
NFI	شاخص برازش نرم	>۰/۹	۰/۸۶۴	۰/۹۴۸
CFI	شاخص برازش مقایسه ای	>۰/۹	۰/۸۲۴	۰/۹۵۱
AGFI	شاخص نیکویی برازش تعدیل شده	>۰/۹	۰/۸۷۶	۰/۹۶۴
TLI	شاخص برازش تطبیقی	>۰/۹	۰/۸۹۳	۰/۹۳۶
RFI	شاخص برازش نسبی	>۰/۹	۰/۹۱۰	۰/۹۴۰
PNFI	شاخص برازش هنجار شده	≥۰/۵	۰/۵۰۱	۰/۵۳۷
DF	-	-	۶۸	۶۴

جدول ۳- برآورد مستقیم مدل با روش حداکثر درست نمایی (ML)

متغیر	B	β	R^2
خودکنترلی بر گرایش به رابطه فرازناشویی	-۰/۱۲	-۰/۱۰	۰/۰۱۲
حافظه فعال بر گرایش به رابطه فرازناشویی	-۰/۱۱	-۰/۱۶	۰/۰۱۷
بازداری بر گرایش به رابطه فرازناشویی	-۰/۶۶	-۰/۱۳	۰/۰۸۵
انعطاف پذیری بر گرایش به رابطه فرازناشویی	-۰/۱۱	-۰/۱۳	۰/۰۱۴

جدول ۴- برآورد مستقیم مدل با استفاده از روش بوت استرپ[1]

متغیر	B	حد پایین	حد بالا	معناداری
حافظه فعال بر گرایش به رابطه فرازناشویی با میانجی گری خودکنترلی	-۰/۲۷	-۰/۰۴	۰/۲۹	۰/۰۰۳
انعطاف پذیری بر گرایش به رابطه فرازناشویی با میانجی گری خودکنترلی	-۰/۱۱	-۰/۰۵	۰/۱۶	۰/۰۰۴
بازداری بر گرایش به رابطه فرازناشویی با میانجی گری خودکنترلی	-۰/۲۳	-۰/۰۱۷	۰/۲۷	۰/۰۰۱

مدل اولیه برازش مناسبی برای مدل پیشنهادی حاصل گردید. نتایج پژوهش حاضر نشان داد کارکردهای اجرایی شامل بازداری، انعطاف‌پذیری و حافظه فعال به طور مستقیم و نیز به طور غیرمستقیم با میانجیگری خودکنترلی با گرایش به روابط فرازناشویی رابطه دارد، کارکردهای اجرایی روابط فرازناشویی را پیش بینی کرده و هرچه کارکردهای اجرایی ضعیف‌تر باشد، گرایش به رابطه فرازناشویی بیشتر است. این یافته همسو با نتایج پژوهش‌های یودا و همکاران، (۲۰۱۷)، هامبورگ و پرانک، (۲۰۱۵)؛ پرانک و همکاران، (۲۰۱۱) می باشد. همچنین سیاروکو و همکاران، (۲۰۱۲)؛ پرانک، کارمانز و ویکبولداس، (۲۰۱۱) نشان دادند که کنترل اجرایی با توانایی وفادار ماندن در زندگی زناشویی ارتباط دارد. ریتر و کارمانز و وان اسجی، (۲۰۱۰) نیز روی‌گردانی از جایگزین جذاب را با سطوح بالاتر کنترل اجرایی مرتبط دانستند. در تبیین این یافته می‌توان اینطور بیان کرد: کارکردهای اجرایی شامل یک سری فرایندهای کنترل شناختی است که با هم در جهت تنظیم کردن و شکل دادن به رفتار مبتنی بر اهداف به کار می روند و در هدایت و کنترل رفتار نقش مهمی بازی می‌کنند (پرانک، ۲۰۱۱، هیوز[1] و گراهام[2]،۲۰۰۰). یکی از اهداف اساسی در هر رابطه زناشویی حفظ ارتباط است. در هر زندگی زناشویی مواجهه با تکانه‌های مخرب که ارتباط را تخریب با حتی به نابودی می‌کشاند گریزناپذیر است. در واقع تعارض بخشی از زندگی زناشویی است. تعارض در زندگی زناشویی هر موقعیتی که نیازهای یک همسر با نیازهای همسر دیگر همپوشی ندارد، در نظر گرفته می‌شود و شامل تعارضات بین‌فردی، جایگزین‌های جذاب و علایق متفاوت می‌شود. راسبوت و وان لانچ (۲۰۰۳) مدلی در مورد فرایندهای تغییر شکل رفتار ارائه دادند که بر اساس آن وقتی تعارضات ایجاد می‌شود، افراد در ابتدا و به طور خودکار تمایل به رفتارهایی در راستای تکانه‌های هیجانی‌شان (پاسخ‌های تکانشی) نشان می‌دهند، اما اینکه آیا آنها بر اساس این تمایلاتشان عمل می‌کنند یا نه به دو عامل تعدیل کننده

[1]. Hughes
[2]. Graham

[Downloaded from isharat.khu.ac.ir on 2026-10-29]
[DOR: 20.1001.1.23455780.1397.6.1.6.7]

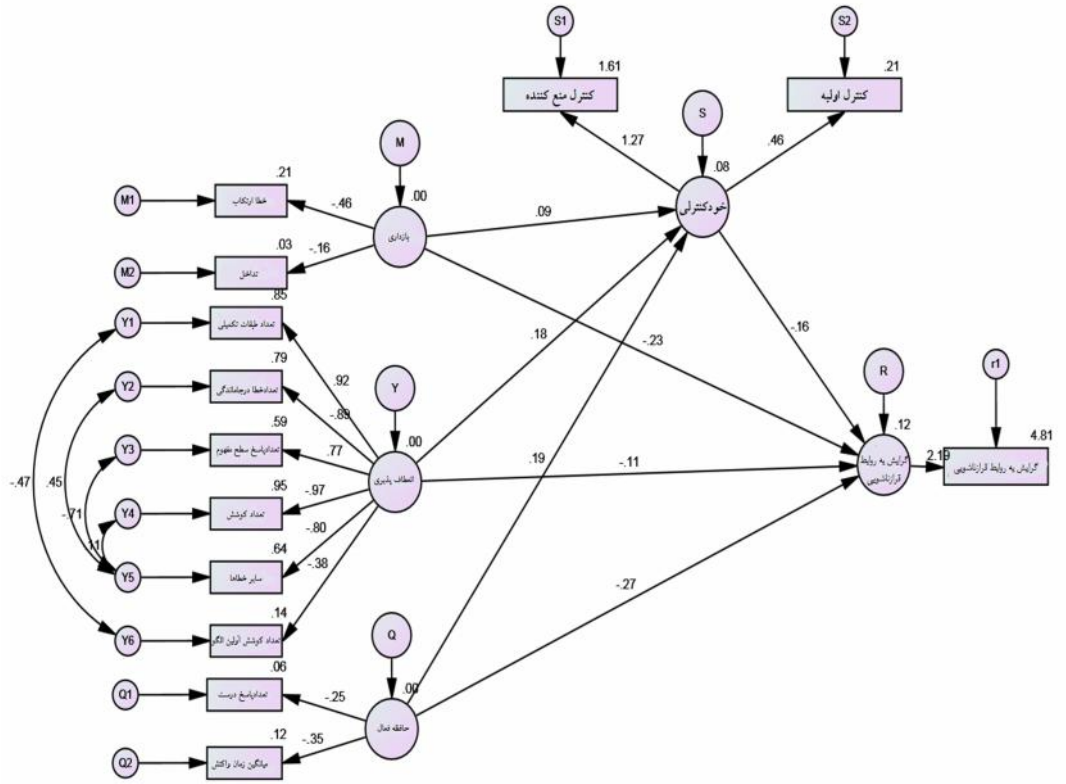

نمودار ۱- مدل نهایی آزمون شده به همراه آماره های پیش بینی استاندارد شده

بستگی دارد: انگیزش و توانایی. این عامل توانایی به کارکردهای اجرایی مربوط می شود؛ یعنی زمانی افراد می‌توانند رفتار تکانشی شان را تغییر دهند که هم انگیزه داشته باشند و هم توانا باشند و این توانایی بدان معناست که دارای سطوح بالای کنترل اجرایی باشند. در این صورت آنها پاسخ تکانشی خود را به پاسخی که در راستای اهداف فراگیر و بلند مدت‌شان است تغییر شکل می‌دهند (پرانک،۲۰۱۴). در حیطه روابط زناشویی نیز می‌توان اینطور بیان کرد که کنترل اجرایی تغییر شکل انگیزش را پی‌ریزی می‌کند که به موجب آن افراد از تکانه‌های نفع شخصی (که می‌تواند توجه یا ارتباط با فردی خارج از ازدواج باشد) دور می‌شوند و در عوض به نفع ارتباط یا همسر خود پاسخ می‌دهند. درواقع زمانیکه توجه یا ارتباط با فردی جذاب خارج از رابطه زناشویی با حفظ زندگی زناشویی و تعهد زناشویی در تعارض واقع می‌شود، بازداری از رفتارهای گرایشی خودکار به سمت محرک وسوسه برانگیز جلوگیری می‌کند، حافظه کاری از طریق کنترل توجه عاطفه را تنظیم می‌کند و انعطاف پذیری به فرد برای مدیریت چندین هدف همزمان کمک می‌کند و همه این موارد به خودکنترلی موفق کمک می‌کند که متغیر دیگری است که در این مطالعه به آن پرداخته شد.

نتایج پژوهش حاضر نشان داد که خودکنترلی هم اثر مستقیم بر گرایش به روابط فرازناشویی دارد و هم نقشی واسطه ای میان کارکردهای اجرایی و گرایش به روابط فرازناشویی دارد؛ یعنی هرچه خودکنترلی در فرد بالاتر باشد گرایش به رابطه فرازناشویی کمتر است. این یافته همسو با نتایج پژوهش‌های گایلیوت و باومیستر (۲۰۰۷)، پرانک و همکاران (۲۰۱۱) سیاروکوو همکاران (۲۰۱۲) است، بطوریکه افرادی با خودکنترلی بالا هنگام برخورد با گزینه های جایگزین جذاب، دشواری کمتری در وفادار ماندن گزارش می‌کنند (گایلیوت[1] و باومیستر، ۲۰۰۷)، رفتارهای دلربایی (عشوه گری) کمتری به سمت گزینه های دیگر نشان می دهند (پرانک و همکاران، ۲۰۱۱) و علاقه کمتری به قرار ملاقات گذاشتن با دیگران جذاب ابراز می کنند (سیاروکو و همکاران، ۲۰۱۲). در پژوهشی گالیوت و باومیستر (۲۰۰۷) نشان دادند که خودکنترلی مزاجی پایین با تمایل قوی‌تر به رابطه جنسی غیرمتعهدانه ارتباط دارد. ویل، گراد، موری و برادی (۲۰۰۳) نیز نشان دادند خودکنترلی پایین با نگرش منفی‌تر نسبت به خودداری جنسی ارتباط دارد (به نقل از مسلنتیر[2]، بارلو[1] و

[1]. Gailliot, M.T.
[2]. Mclntyre

[Downloaded from isharat.khu.ac.ir on 2026-10-29]
[DOR: 20.1001.1.23455780.1397.6.1.6.7]

هاوارد[2]، ۲۰۱۴).

در تبیین این یافته میتوان گفت خودکنترلی هسته مرکزی خود و کلید اساسی موفقیت در زندگی است. اراده که نیز که یکی از ویژگی های منحصر به انسان است، ارتباط نزدیکی با خودکنترلی دارد. خودکنترلی به توانایی رها کردن لذت کوتاه مدت به منظور دنبال کردن اهداف و آرزوهای بلندمدت اشاره دارد (باومیستر و همکاران، ۱۹۹۴). هسته مرکزی خودکنترلی توانایی در بازداری تکانه‌ها است. ادبیات خودکنترلی مملو است از شواهدی که خودکنترلی ضعیف منجر به رفتار بازداری نشده و تکانشی می‌شود به طوریکه خودکنترلی ضعیف با مشکلات رفتاری و کنترل تکانه مانند خشونت، ولخرجی، رفتار تکانشی جنسی، بارداری ناخواسته و مشکلات ارتباطی و جدایی مربوط است (تانجی و همکاران، ۲۰۰۴). نتایج پژوهش مارک، جانسن و میلهوسن[3] (۲۰۰۲) نشان داد که مردان و زنانی که نمره کمتری در کنترل تکانه کسب می کنند و میزان بازداری کمتری دارند به احتمال بیشتر درگیر روابط فرازناشویی می‌شوند. شواهد بسیاری وجود دارد که خودکنترلی توانایی بازداری تکانه‌های خودخواهانه و درعوض رفتار کردن به شیوه‌ای که به نفع ارتباط است را ایجاد می‌کند (کارمنس و همکاران، ۲۰۱۵؛ پرانک و رگیتی، ۲۰۱۵ به نقل از ویسرمن[4] و همکاران، ۲۰۱۶). در واقع خودکنترلی نوعی مدیریت بر خویشتن است که فرد با تقویت آن می تواند خواسته‌های آنی و امیالی که با اهداف درازمدت او در تعارضند را مهار کرده از انحراف و اشتباه دوری کند.

در مجموع یافته‌های پژوهش حاضر نشان داد که حیطه‌های اصلی کارکردهای اجرایی شامل بازداری، انعطاف‌پذیری و حافظه فعال و نیز متغیر خودکنترلی می توانند بخشی از واریانس گرایش به رابطه فرازناشویی را تبیین کنند و مدل مفهومی اولیه پژوهش مبنی بر اثر کارکردهای اجرایی با نقش میانجی خودکنترلی بر گرایش به رابطه فرازناشویی تایید گردید. این نتایج می‌تواند هم کاربردهای آموزشی و درمانی داشته باشد و در پروتکل‌های درمانی و پیش‌گیری مورد توجه قرار گیرد هم می‌تواند راهگشای پژوهش‌های آینده باشد. در پژوهش حاضر گرایش به رابطه فرازناشویی با پرسشنامه و به صورت خودگزارشی سنجیده شد که احتمال خطا را افزایش می‌دهد، برای پژوهش‌های آینده پیشنهاد می‌شود پژوهش‌هایی آزمایشی طراحی شده که آنرا به صورت رفتاری بسنجند. همچنین پژوهش‌های آینده می‌توانند به نقش فرایندهای خودکار در مقابل فرایندهای خودکنترلی در توجه و ارزیابی دیگران جذاب و ورود به رابطه فرازناشویی بپردازند و نیز از آنجاکه خودکنترلی در ترکیب با عوامل دیگر بر رفتار تاثیرگذار است، پیشنهاد می‌شود سهم عوامل دیگر از جمله عوامل انگیزشی مانند تعهد یا کیفیت ارتباط بر گرایش به رابطه خارج از ازدواج یا پاسخ به دیگران جذاب سنجیده شود.

منابع

Allen, E. S., Atkins, D. C., Baucom, D. H., Snyder, D. K., Gordon, K. C., & Glass, S. P. (2005). Intrapersonal, interpersonal, and contextual factors in engaging in and responding to extramarital involvement. *Clinical Psychology: Science and Practice, 12*(2), 101-130.

Atkins, D. C., Baucom, D. H., & Jacobson, N. S. (2001). Understanding infidelity: Correlates in a national random sample. *Journal of family psychology, 15*(4), 735.

Balliet, D., & Pronk, T. M. (2013). Personality, self-control, and welfare-tradeoff ratios in revenge and forgiveness. *Behavioral and Brain Sciences, 36*(1), 16-17.

Baumeister, R. F., Vohs, K. D., & Tice, D. M. (2007). The strength model of self-control. *Current directions in psychological science, 16*(6), 351-355.

Brown, E. M. (2001). *Patterns of Infidelity and Their Treatment*: Tailor & Francis.

Buss, D. M., & Schmitt, D. P. (1993). Sexual strategies theory: an evolutionary perspective on human mating. *Psychological review, 100*(2), 204.

Ciarocco, N. J., Echevarria, J., & Lewandowski Jr, G. W. (2012). Hungry for love: The influence of self-regulation on infidelity. *The Journal of social psychology, 152*(1), 61-74.

Eaves, S. H., & Robertson-Smith, M. (2007). The relationship between self-worth and marital infidelity: A pilot study. *The Family Journal, 15*(4), 382-386.

Fenwick, M. E., Kubas, H. A., Witzke, J. W., Fitzer, K. R., Miller, D. C., Maricle, D. E., . . . Hale, J. B. (2016). Neuropsychological profiles of written expression learning disabilities determined by concordance-discordance model criteria. *Applied Neuropsychology: Child, 5*(2), 83-96.

Finkel, E. J., & Campbell, W. K. (2001). Self-control and accommodation in close relationships: an interdependence analysis. *Journal of personality and social psychology, 81*(2), 263.

Fricker, J., & Moore, S. (2006). *Predicting infidelity: The role of attachment styles, lovestyles, and the Investment Model*: Swinburne University of

[1]. Barlow
[2]. Hayward
[3]. Mark, Janssen, & Milhausen
[4]. Visserman

[Downloaded from isharat.khu.ac.ir on 2026-10-29]
[DOR: 20.1001.1.23455780.1397.6.1.6.7]

Learning, Memory, and Cognition, *33*(3), 615.

Loehlin, J. C. (2004). *Latent variable models: An introduction to factor, path, and structural equation analysis*. Psychology Press.

Karremans, J. C., Pronk, T. M., & Wal, R. C. (2015). Executive control and relationship maintenance processes: An empirical overview and theoretical integration. *Social and Personality Psychology Compass*, *9*(7), 333-347.

Marín, R. A., Christensen, A., & Atkins, D. C. (2014). Infidelity and behavioral couple therapy: Relationship outcomes over 5 years following therapy. *Couple and Family Psychology: Research and Practice*, *3*(1), 1.

Mark, K. P., Janssen, E., & Milhausen, R. R. (2011). Infidelity in heterosexual couples: Demographic, interpersonal, and personality-related predictors of extradyadic sex. *Archives of sexual behavior*, *40*(5), 971-982.

Mark, K. P., Janssen, E., & Milhausen, R. R. (2011). Infidelity in heterosexual couples: Demographic, interpersonal, and personality-related predictors of extradyadic sex. *Archives of sexual behavior*, *40*(5), 971-982.

McIntyre, J. C., Barlow, F. K., & Hayward, L. E. (2015). Stronger sexual desires only predict bold romantic intentions and reported infidelity when self-control is low. *Australian Journal of Psychology*, *67*(3), 178-186.

Mirdoraghi, F., Ghanbary Hashemabady, B. A., Mashhad, A. (2012). Cognitive and behavioral inhibition in veterans with- and without post-traumatic stress disorder. Iranian Journal of Military Medicine.14 (1), 41-47. [Persian].

Negash, S., Veldorale-Brogan, A., Kimber, S. B., & Fincham, F. D. (2016). Predictors of extradyadic sex among young adults in heterosexual dating relationships: a multivariate approach. *Sexual and Relationship Therapy*, 1-20.

Negash, S., Veldorale-Brogan, A., Kimber, S. B., & Fincham, F. D. (2016). Predictors of extradyadic sex among young adults in heterosexual dating relationships: a multivariate approach. *Sexual and Relationship Therapy*, 1-20.

Pronk, T. M., & Karremans, J. C. (2014). Does executive control relate to sacrificial behavior during conflicts of interests? *Personal Relationships*, *21*(1), 168-175.

Pronk, T. M., Karremans, J. C., & Wigboldus, D. H. (2011). How can you resist? Executive control helps romantically involved individuals to stay faithful. *Journal of personality and social psychology*, *100*(5), 827.

Pronk, T. M., & Righetti, F. (2015). How executive control promotes happy relationships and a well-balanced life. *Current Opinion in Psychology*, *1*, 14-17.

Tangney, J., Baumeister, R., & Boone, A. (2004). High self-control predicts good adjustment, less

Technology Melbourne, Australia.

Gailliot, M. T., & Baumeister, R. F. (2007). Self-regulation and sexual restraint: Dispositionally and temporarily poor self-regulatory abilities contribute to failures at restraining sexual behavior. *Personality and Social Psychology Bulletin*, *33*(2), 173-186.

Ghasemi, V. (2011). Optimal sample size estimation in structural equation models and its adequacy assessment for social researchers. Iran Sociology, 12(4), 138-161. [Persian].

Gordon, K. C. (2003). Forgiveness and marriage: Preliminary support for a measure based on a model of recovery from a marital betrayal. *American Journal of Family Therapy*, *31*(3), 179-199.

Gordon, K. C., & Baucom, D. H. (1999). A forgiveness-based intervention for addressing extramarital affairs. *Clinical Psychology Science and Practice*, *6*, 382–399.

Gordon, K. C., Baucom, D. H., & Snyder, D. K. (2004). An integrative intervention for promoting recovery from extramarital affairs. *Journal of Marital and Family Therapy*, *30*(2), 213-231.

Graham, S. M., Negash, S., Lambert, N. M., & Fincham, F. D. (2016). Problem drinking and extradyadic sex in young adult romantic relationships. *Journal of Social and Clinical Psychology*, *35*(2), 152-170.

Hamburg, M. E., & Pronk, T. M. (2015). Believe you can and you will: The belief in high self-control decreases interest in attractive alternatives. *Journal of Experimental Social Psychology*, *56*, 30-35.

Hertlein, K. M., Wetchler, J. L., & Piercy, F. P. (2005). Infidelity: an overview. *Journal of Couple & Relationship Therapy*, *4*(2-3), 5-16.

Hofmann, W., Gschwendner, T., Friese, M., Wiers, R. W., & Schmitt, M. (2008). Working memory capacity and self-regulatory behavior: toward an individual differences perspective on behavior determination by automatic versus controlled processes. *Journal of personality and social psychology*, *95*(4), 962.

Hofmann, W., Schmeichel, B. J., & Baddeley, A. D. (2012). Executive functions and self-regulation. *Trends in cognitive sciences*, *16*(3), 174-180.

Hooman, H. A., (2014). Structural equation modeling using Lisrel software. Tehran. Samt. First edition. [Persian].

Jeanfreau, M. M., Jurich, A. P., & Mong, M. D. (2014). An examination of potential attractions of women's marital infidelity. *The American Journal of Family Therapy*, *42*(1), 14-28.

Jeanfreau, M. M., Jurich, A. P., & Mong, M. D. (2014). Risk factors associated with women's marital infidelity. *Contemporary Family Therapy*, *36*(3), 327-332.

Kane, M. J., Conway, A. R., Miura, T. K., & Colflesh, G. J. (2007). Working memory, attention control, and the N-back task: a question of construct validity. *Journal of Experimental Psychology:*

[Downloaded from isharat.khu.ac.ir on 2026-10-29]

[DOR: 20.1001.1.23455780.1397.6.1.6.7]

pathology, better grades, and interpersonal success. *Journal of personality*, *72*(2), 271-324.

Tangney, J. P., BOONE, A. L., & BAUMEISTER, R. F. (2018). High self-control predicts good adjustment, less pathology, better grades, and interpersonal success *Self-Regulation and Self-Control* (pp. 181-220): Routledge.

Ueda, R., Yanagisawa, K., Ashida, H., & Abe, N. (2017). Implicit attitudes and executive control interact to regulate interest in extra-pair relationships. *Cognitive, Affective, & Behavioral Neuroscience*, *17*(6), 1210-1220.

Ueda, R., Yanagisawa, K., Ashida, H., & Abe, N. (2018). Executive control and faithfulness: only long-term romantic relationships require prefrontal control. *Experimental brain research*, 1-8.

Wilkowski, B. M., Robinson, M. D., & Troop-Gordon, W. (2010). How does cognitive control reduce anger and aggression? The role of conflict monitoring and forgiveness processes. *Journal of personality and social psychology*, *98*(5), 830.

[Downloaded from isharat.khu.ac.ir on 2026-10-29]

[DOR: 20.1001.1.23455780.1397.6.1.6.7]